

متفاوتی بود چون از طبقه‌ای متفاوت بود ما می‌خواستیم به شکلی این نقش را طراحی کنیم که تا حالا از من دیده نشده است امیدوارم باورپذیر هم شده باشد. به خاطر این نقش ۱۰ کیلو چاق شدم.

هوتن شکبیا (بازیگر): من سعی کردم چالشی برای خودم ایجاد کنم، این افزایش وزن بود و در دوران قرنطینه که باشگاه‌ها بسته بود به صورت سنگین ورزش کردم. در حین فیلمبرداری به لحاظ فیزیکی شرایط خیلی سختی داشتیم.

نرگس آبیاری (کارگردان): نماد در فیلم‌های من همیشه هست البته نه این طور که گل درشت باشد بلکه تنیده در فیلم است. اگر نام این نمادها را اشیا بگذاریم که کاراکتر و تفسیر دارند باید بگویم بله. من معمولاً این عناصر را در فیلم‌هایم دارم. فیلمنامه اولیه را برپسا کرزبان نوشته بود که برایم جذاب بود. ما تصمیم گرفتیم روی این فیلمنامه کار کنیم و بارها و بارها بازنویسی شد. دوست دارم کار اقتباسی کنم. رمان‌ها و کتاب‌های جذابی داریم که حیف است زمین بماند. در این جا هم دوست داشتم نگاه خودم را در فیلمنامه داشته باشم. (منبع: خبرگزاری تسنیم)

نظر شخصی

«بلق»، جدیدترین فیلم نرگس آبیاری حداقل خیلی بهتر از فیلم پر سر و صدای قبلی‌اش «شبی که ماه کامل شد» می‌آیست. دوربین اگر چه هنوز حرکات بسیار زیادی دارد اما کمتر شاهد اداهای افراطی آن در «بلق» هستیم. فیلم خوش رنگ و لعاب و پسر از نماهای بالای سر (اوورهد) است. آبیاری در به تصویر کشیدن جغرافیای مد نظرش موفق عمل می‌کند. کار خوب تیم چهره‌پردازی و گریم و طراحی صحنه و لباس نیز به ساخته شدن فضا کمک شایانی می‌کند. بزرگ‌ترین ضربات را فیلم از شخصیت‌هایش می‌خورد. البته که می‌بایست انتخاب بازیگر را هم در این جا اضافه کنیم. چرا که انتخاب بهرام رادان برای چنین نقشی به نظر نگارنده خطا بوده است. رادان نمی‌تواند تصویر چنینی یک متجاوز را ارائه دهد چرا که نه در لحن و نه در فیزیک قادر به بازنمایی چنین شمایی نیست. برسیم به شخصیت‌ها. جز پرداخت نسبتاً اندازه شخصیت هوتن شکبیا در نقش شوهر، و کار کتر اصلی دیگر را نمی‌توانیم بفهمیم. نه زندگی خصوصی رادان را می‌بینیم و نه به شاکر دوست نزدیک می‌شویم. این امر باعث می‌شود آن نبرد میانی داستان تباه شود. در نهایت «بلق» از نظر بندنه فیلم بدی نیست و می‌تواند مخاطبش را به سینما بکشاند، خصوصاً چون دست روی سوزهای گذاشته که کنجکاو را برمی‌انگیزد.

چهره شاخص

خانم نرگس آبیاری. با این که سینمای آبیاری خیلی مورد پسند این جانب نیست اما تلاش و پرکاری ایشان در سال‌های اخیر برایم قابل تحسین است.



التهاب در فستیوال رنگ‌ها بلق (نرگس آبیاری)

قهرمان بسازد، همچنان که انفعال راحله او را به ضد قهرمان بدل نمی‌کند. مسأله دقیقاً گزارش یک واقعیت است.

احمد شاهوند: در تمامی نماهای فیلم، مهم‌ترین چیزی که پررنگ است، خودنمایی کارگردان است. گویی نرگس آبیاری می‌خواهد ضعف کارگردانی‌اش را پشت حرکات سرسام‌آور و بلا تکلیف و کاملاً ادایی دوربین پنهان کند و حتی با صدای بلند بگوید «این منم که هستم» غافل از این که پشت همه این اداهای خرابه‌ای بیش نیست. بیشتر از ۲ ساعت در یک محله هستیم، اما دریغ از ترسیم درست جغرافیای محله. تا پایان حتی مشخص نمی‌شود خانه شخصیت‌های اصلی چه موقعیتی نسبت به هم دارند چون کارگردان حواسش جای دیگری است. بس که شخصیت‌های فرعی و اصلی در هم و تو هم حرف می‌زنند. حدود ۱۵-۱۰ دقیقه از فیلم، حتی دیالوگ‌ها نامفهوم است و حتی شنیده نمی‌شود. ۵۰ دقیقه از فیلم گذشته و هنوز نمی‌دانیم کی به کی است و داستان از چه قرار است! کارگردان که مبهوت سوزه جهانی‌اش شده و مدام در ذهنش مشغول مرور پایان‌بندی دهن پرکن فیلم است، یادش رفته که شخصیت‌پردازی کند. یادش رفته که داستانی هم باید باشد برای روایت. یادش رفته که هنر کارگردانی به تکان‌های بی‌کار کردوربین نیست، یادش رفته که...

نظر عوامل

گلاره عباسی (بازیگر): این نقش چالش زیادی برای من داشت. کار کردن با خانم آبیاری همیشه خیلی جذاب است. برای من هم نقش

«بلق» فیلمی به کارگردانی نرگس آبیاری است. محمدحسین قاسمی تهیه‌کننده کار و بهرام رادان، الناز شاکر دوست، هوتن شکبیا، مهران احمدی، گیتی معینی و گلاره عباسی از بازیگران فیلم هستند. داستان این فیلم در حاشیه شهری بزرگ می‌گذرد و شخصیت اصلی آن زنی است که با همسر و فرزندش به سختی زندگی می‌کند اما با ماجرای روبرو می‌شود که حیثیت او را به خطر می‌اندازد.

«بلق» در سی‌ونهمین دوره جشنواره فیلم فجر چهار سیمرغ بلورین را به خود اختصاص داد: بهترین فیلم از نگاه تماشاگران، بهترین بازیگر نقش مکمل زن (گلاره عباسی)، بهترین چهره‌پردازی و بهترین جلوه‌های ویژه بصری. فیلم همچنین در شش رشته دیگر از جمله بهترین فیلم، بهترین کارگردانی، بهترین بازیگر نقش اول زن (الناز شاکر دوست) و بهترین بازیگر نقش مکمل زن (گیتی معینی) نامزد دریافت سیمرغ بلورین شد.

دیگران چه گفته‌اند؟

آریا قریشی: آبیاری به قدری درگیر فضا سازی شده که از مهم‌ترین وجه فیلم، یعنی شخصیت‌پردازی، غفلت کرده است. چیزی حدود نیم ساعت طول می‌کشد تا داستان راه بیفتد و در آن نیم ساعت عملاً شخصیتی شکل نگرفته: نه مسیر و سوسه شدن جلال ساخته شده و نه شخصیت راحله به عنوان زنی که قرار است تغییر درونی‌اش را سرگذرانند و به باز شناختی نسبت به آدم‌ها و محیط پیرامون برسد. تعدد نماهای هوایی که محله را از بالا نشان می‌دهند، می‌توانست تمهید خوبی برای نمایش محیطی همسان‌ساز باشد که حالا یک نفر در آن قرار است مسیری متفاوت با دیگران را بپیماید. اما این تمهید زمانی جواب می‌داد که این تصویر در درجه اول از طریق پردازش مناسب شخصیت‌ها ساخته می‌شد. به همین دلیل است که بلق به فیلمی ناقص و ناکام تبدیل می‌شود. تأکید فراوان آبیاری بر نمادپردازی‌ها که فرصت کشف و شهود را برای تماشاگر از بین می‌برد، سکانس‌هایی تصادفی و فاقد روابط علی مناسب که قرار است در نتیجه‌گیری مورد بهره‌برداری قرار گیرند و پایان بندی عجولانه‌ای که فرصت یک نقطه اوج تکان‌دهنده را از بین می‌برد، حسرت بر باد رفتن یک فرصت طلایی را مضاعف می‌کنند.

رضا صائمی: فیلم «بلق» تراژدی بزرگ زنانه میان سکوت و فریاد را در تجربه آزار به تصویر می‌کشد و این که چطور هنجارها و خرده‌فرهنگ‌های اجتماعی، امکان روایت‌گری و اعتراض زنانه نسبت به تجاوز و تعدی را از آن‌ها گرفته و آن را مجبور می‌کند تا به سکوتی کشنده و ویرانگر تن بدهند. ترسیم موقعیت برزخی زن ستم‌دیده قصه خود عمق درد را به تصویر می‌کشد و فیلم قرار است همین وضعیت تراژیک منفعلانه را با جاع به شرایط فرهنگی و اجتماعی طبقه‌های که شخصیت‌های قصه به آن تعلق دارند بازنمایی کند. اساساً قرار نیست فیلمساز از زن قصه خود